

پذیرش همبستگی

شالوده‌های لازم برای جهانی در حال گذار

بیانیهٔ جامعهٔ جهانی بهائی در نشست سازمان ملل متحد دربارهٔ آینده

نیویورک، ۴ سپتامبر ۲۰۲۴



«اصلاح و راحت امم
ظاهر نشود
مگر به اتحاد.»

آثار مقدس بهائی



جامعه بین‌المللی در نشست آینده، هم با فرصتی عظیم و هم با ضرورتی حیاتی روبه‌رو است: وظیفه خطیر در نظر گرفتن وابستگی متقابل نوع بشر به‌عنوان کانون نظام حکمروایی جهانی.

تأسیس سازمان ملل متحد سرآغاز گام‌های بلندی است که از پایان جنگ جهانی دوم تاکنون برداشته شده، گام‌هایی که نشان از حرکتی چشمگیر به سوی یک نظم صلح‌آمیز و مرفه جهانی دارد. سازمان ملل متحد، مانند جامعه ملل که پیش از آن به وجود آمده بود، از خاکستر فاجعه‌ای جهانی سر برآورد و نشان‌گر بهترین کوشش جمعی زمان خود در جهت صلحی واقعی و پایدار بود. این واقعیت که سازمان ملل متحد همچنان تنها نهاد چندجانبه‌ای است که می‌تواند هر ملتی از ملت‌های جهان را در مسائل مرتبط با حکمروایی جهانی مشارکت دهد واقعیتی مهم است. در واقع استمرار وجود این نهاد بازتابی از پذیرش قاطعانه این واقعیت است که هماهنگی موثر بین‌المللی پیش‌نیاز صلح و رفاه پایدار است.

وقتی در ابتدای این قرن رهبران جهان بر مجموعه‌ای از اهداف کلان جهانی توافق کردند، به نظر می‌رسید که روحیه همبستگی در جهان در حال اعتلاست، اما متأسفانه، اکنون شاهد رو به زوال رفتن مداوم آن هستیم. پیشرفت‌هایی که طی دهه‌ها به دست آمده بود، اکنون رو به افول نهاده است. چالش‌های جهانی از نظر مقیاس و پیچیدگی با چنان سرعتی رو به گسترش است که نظام‌های لازم برای پاسخگویی به آن‌ها، نتوانسته‌اند پایه‌پایشان تکامل یابند. این روندهای نگران‌کننده در واقع عوارض یک بیماری عمیق‌تر هستند که جوامع را به خود دچار کرده است؛ ناتوانی جامعه جهانی در قبول کامل این واقعیت که نوع بشر به شکلی ناگسستنی بهم وابسته است. شواهد موجود حاکی از آن است که تا زمانی که مسئولان اداره امور جهانی و در حقیقت کل بشریت دلالت‌های عمیق این واقعیت را نپذیرند، بحران‌های شدید ادامه خواهند یافت.

نشست آینده در برهه‌ای برگزار می‌شود که مسیر فعلی ما دیگر قابل ادامه نیست. تاکنون صدها پیشنهاد برای اصلاحات سازمانی در سازمان ملل ارائه شده که هر یک مزایای بالقوه خود را دارند. اما اگر قرار است نوآوری‌ها در نهایت به موفقیت دست یابند، نیازهای زمان حاضر، عزم و اراده‌ای بزرگ‌تر می‌طلبد

و آن تدوین یک چارچوب
مفهومی جدید است که
باید بر مجموعه‌ای جدید
از مفروضات بنیادین
مبتنی باشد.

به این منظور،
جامعه جهانی
بهائی به جای
ارائه پیشنهادات
اصلاحی بیشتر، بار
دیگر متولیان امور
بین‌الملل را دعوت
می‌کند که دلالت‌های اصل
یگانگی نوع بشر را به عنوان یک
اصل محوری جایگزین مدنظر قرار
دهند. بدون پذیرش کامل این اصل صلح و
رفاه پایدار آرزویی دور از دسترس باقی می‌ماند و حتی
نظام‌های حکمروایی جهانی عامل تشدید تفرقه، تعمیق نابرابری‌ها و ترجیح
منافع گروه‌های خاص بر منافع عمومی می‌شوند. ما بر این باوریم که قرار
دادن اصل یگانگی نوع بشر در کانون امور بین‌الملل، پیش‌شرطی ضروری
برای جلوگیری از فاجعه‌های بیشتر و دستیابی به صلح و هماهنگی پایدار
است.

جامعه

بین‌المللی در نشست آینده، هم
با فرصتی عظیم و هم با ضرورتی حیاتی
روبه‌رو است: وظیفه خطیر در
نظر گرفتن وابستگی متقابل نوع بشر
به عنوان کانون نظام حکمروایی
جهانی.

داستانی مشترک

هویت در عصر گذار

همه
انسان‌ها دارای هویت
مشترک فراگیر و متعالی‌ای هستند
که طیف نامحدودی از جلوه‌های
فرهنگی و تاریخی را
شامل می‌شود.

پذیرش یگانگی خانواده
بشری به معنای دعوت به
یکسان‌سازی یا نادیده
گرفتن نقاط قوت
نظام‌های حکمروایی
تثبیت‌شده نیست
بلکه بدین معناست
که همه انسان‌ها
دارای هویت مشترک
فراگیر و متعالی‌ای
هستند که طیف
نامحدودی از جلوه‌های
فرهنگی و تاریخی را شامل
می‌شود. عصری که در آن
زندگی می‌کنیم، بیش از پیش عصر
درهم‌تنیدگی و یکپارچگی است و به مدل‌های جدید
تصمیم‌گیری نیاز دارد.

نظام‌ها و ساختارهای فعلی جهان به جای پذیرش این واقعیت، عمیقاً تکیه بر برداشت‌های تقابلی از هویت دارند که عامل بی‌اعتمادی و مروج رقابت هستند. دسته‌بندی‌های «ما» و «آن‌ها» در تلاش‌هایی به کار گرفته می‌شوند که بر برداشت‌های ناقص از «پیشرفت» استوارند و در نتیجه به رفتارهای ناعادلانه‌ای منجر می‌شوند که یک گروه را بر گروه دیگر ترجیح می‌دهد. گرچه حلقه‌های محدود تعلق در طول تاریخ وجود داشته است، اما شعاع این دوایر همواره به مقتضای زمان از جامعه محلی به شهر و سپس به ملت گسترش پیدا کرده است تا بقا و شکوفایی نوع بشر تضمین شود. با این حال، گذار نوع بشر به سطوح بالاتری از یکپارچگی هنوز به نقطه اوج خود نرسیده است. در

عصر بهم‌وابستگی جهانی، نیروهای مروج شکل‌های جدیدی از ارتباط متقابل، اکنون گامی تازه را ایجاب می‌کنند که پیش از این هرگز برداشته نشده است: گسترش دایره‌ی تعلق اجتماعی به گونه‌ای که از هر تعریفی از «دیگری» فراتر رود، بشریت را در تمامیت خود در بر گیرد و از تنوع غنی آن به‌عنوان منبعی بی‌پایان از قوت بهره‌مند شود.

در عرصه‌ی حکمروایی بین‌المللی، اختلاف‌های مبتنی بر برداشت‌های محدود از هویت، به روشن‌ترین شکل ممکن در مفاهیم مرتبط با حاکمیت ملی کشورها مشهود است. مفروضاتی کلیدی از دیرباز خطوط کلی حکمروایی بین‌المللی را شکل داده‌اند، از جمله اینکه هویت‌های ملی تغییرناپذیرند، اولویت‌های محلی یا ملی در رقابت با دستورکارهای جهانی قرار دارند، پیشرفت یک بخش از جهان به ضرر بخشی دیگر است و یا قدرت یک ملت بر اساس توانایی آن در سلطه و انباشت ثروت تعریف می‌شود. با این حال، حاکمیت مطلق ملی به‌طور فزاینده‌ای توجیه‌ناپذیر شده است و این موضوع دلایل متعددی دارد، از جمله خطرات فرامرزی ناشی از تغییرات اقلیمی یا همه‌گیری‌های جهانی، توانایی‌های فناوری برای پیشرفت جوامع و تفرقه‌انگیزی در آن‌ها و چالش‌ها و فرصت‌هایی که جابجایی مردم در سراسر جهان به وجود آورده است.

بنابراین، یکی از وظایف محوری پیش‌روی جامعه‌ی بین‌الملل، ابداع مفهومی تازه و بسط‌یافته از حاکمیت است که قبول داشته باشد منافع جزء، به بهترین شکل از طریق پیشرفت کل تأمین می‌شود. چنین بازتعریفی هم دغدغه‌ی مشروع نسبت به وطن و هم دغدغه‌ی رفاه کل بشریت را تقویت می‌کند، و ادعان دارد که هرچه افق‌های زمانی به آینده‌ای دورتر کشیده شود، همسویی میان منافع فرد، جامعه، ملت و جهان بیش‌ازپیش آشکار می‌شود. افزون بر این، چنین مفهومی نه تنها تنوع را تهدید نمی‌کند و موجب تحکیم یکسانی نمی‌شود، بلکه قدرت و زیبایی ناشی از پذیرش هویت‌های خاص را با احساس تعلق گسترده‌تر در هماهنگی قرار می‌دهد.

همچنین لازم است این تلاش‌ها با ایجاد چشم‌اندازی مشترک درباره‌ی آینده‌ی بشریت همراه باشند. هرچند تاریخ سرشار از بی‌عدالتی، رقابت و بحران بوده است، اما نظم کنونی تنها به این ویژگی‌ها محدود نمی‌شود. نمونه‌هایی از همبستگی، شفقت و امید نیز، حتی در میانه‌ی ناآرامی‌های اجتماعی، مایه‌ی

پذیرش همبستگی: شالوده‌های لازم برای جهانی در حال گذار

پیشرفت بوده‌اند. این دیدگاه جامع‌تر تاریخی، که به ما کمک می‌کند مسیر حرکت جمعی خود را در بستری وسیع‌تر مشاهده کنیم، بسیار اهمیت دارد، زیرا بر اساس چنین چشم‌انداز بلندمدت‌تری می‌توان بنیان‌های تازه‌ای را پایه‌گذاری کرد. بنابراین، هر اقدامی که امروز انجام می‌شود باید هم از کاستی‌های گذشته ما بیاموزد و هم از جلوه‌های سازنده روح انسانی بهره‌مند شود.

«با محبت نسبت به همه مردمان و با ترجیح دادن مصالح عمومی بر وفاداری‌های محدودتر است که وحدت عالم انسانی و جلوه‌های بیشمار تنوع نوع بشر به بهترین وجهی تحقق می‌پذیرد.»
- بیت‌العدل اعظم، هیئت حاکمه جهانی آیین بهائی

مسیری مشترک

نقش اصل عدالت در بازآرایی روابط

پذیرش یگانگی نوع بشر تأثیرات گسترده‌ای بر نحوه ارتباط افراد و ملت‌ها با یکدیگر و با کره زمین دارد. در جهانی که خشونت، خودخواهی و خصومت عمدتاً به عنوان بازتابی از طبیعت انسانی ما در نظر گرفته می‌شود، این پرسش مطرح می‌شود که چگونه می‌توان به آینده‌ای با یکپارچگی و همزیستی بیشتر دست یافت؟

آنچه ضروری است، اذعان صریح به این واقعیت است که این گونه رفتارهای پست نه تنها عادی‌سازی شده‌اند، بلکه به بهای غفلت از برداشت‌های والا تر از انسانیت مورد تشویق نیز قرار می‌گیرند، برداشت‌های والایی مانند توانمندی ذاتی عشق ورزیدن، شفقت، فداکاری برای اهداف والا و عفو و بخشش، برداشت‌هایی که اغلب

کم‌ارزش در نظر گرفته می‌شوند.

با این حال گرایش به تشویق

الگوهای رفتاری که عمدتاً

بر جنبه‌های منفی

طبیعت انسانی استوار

هستند، به افزایش

تعصبات، درگیری‌ها و

نابرابری‌های شدید و

همچنین بهره‌برداری

بی‌رویه از منابع طبیعی

کره زمین منجر شده

است.

بازنگری در مفهوم ماهیت

انسان کار آسانی نیست، اما

می‌تواند بر پیوندهایی که مایه

تداوم اجتماع هستند تأثیر عمیقی داشته



باشد. به‌عنوان مثال، می‌توان نگاهی به رویکردهای رایج مرتبط با عدالت انداخت که معمولاً هدف اصلی‌شان پاسخگوسازی و مجازات است. با اینکه این رویکردها در برخی زمینه‌های مشخص مزایایی دارند اما در یک دنیای بهم‌وابسته، تحلیل ما از وضعیت‌های پیچیده نمی‌تواند به این رویکردها محدود بماند، زیرا آن‌ها می‌توانند باعث ترویج انتقام‌جویی، تشدید تفرقه یا ایجاد بی‌اعتمادی و کینه‌توزی شوند. بنابراین اکنون برداشت‌ها از عدالت، باید وظیفه مهم ایجاد وحدت و رفاه را نیز مد نظر داشته باشند. درکی گسترش یافته از عدالت در عمل چه شکلی خواهد داشت؟ در عصری که وسایل مادی کافی برای هر فرد وجود دارد، در حوزه اقتصاد عدالت باید ما را فرا بخواند تا توزیع منابع را از منظری وسیع‌تر که بر کرامت انسانی، حقوق و رفاه تأکید دارد، بازبینی کنیم، نه از دیدگاهی مبتنی بر رقابت و انباشت ثروت. این امر مستلزم بازاندیشی عمیق در فرضیه‌ای است که افراد را صرفاً منفعت‌طلب تلقی می‌کند. در نهایت، نظریه‌ها و سیستم‌های سنجش

«سراج عباد داد است... و مقصود از آن ظهور اتحاد است... آنچه از سماء مشیت الهی نازل آن سبب نظم عالم و علت اتحاد و اتفاق اهل آن است.»
- آثار بهائی -

که دیدگاه باریک‌بینانه و مادی‌گرایانه‌ای دارند و الگوهای رفتاری ناپایدار و استثماری را ترغیب می‌کنند، باید جای خود را به ترتیبات اقتصادی جدیدی دهند که مسائل مرتبط با تأمین نیازهای اساسی را همراه با ابعاد اجتماعی، زیست‌محیطی و معنوی وجود انسانی در نظر بگیرند. ارزیابی فرضیات زیربنایی با درکی بسط‌یافته از عدالت باید به سایر حوزه‌های زندگی نیز تعمیم یابد، از جمله صلح و امنیت، جوانان و نسل‌های آینده، علم و فناوری، برابری جنسیتی و حکمروایی جهانی. زیرا اگر بخش‌هایی از جهان همچنان شکوفایی کوتاه‌مدت خود را با اولویت دادن به منافع خویش و به

پذیرش همبستگی: شالوده‌های لازم برای جهانی در حال گذار

زیان دیگران دنبال کنند، عدم توازن ایجادشده سرانجام موجب خواهد شد که همان ملت‌ها و در نهایت، کل بشریت، با پیامدهای اجتناب‌ناپذیر این بی‌عدالتی روبه‌رو شوند. مواجهه با این پرسش‌ها و دیگر پرسش‌های مشابه، به جامعه بین‌المللی امکان می‌دهد بن‌بست موجود را پشت سر بگذارد و در جهت طراحی و اجرای راه‌حل‌های سازنده و پایدار گام بردارد.

مسئولیت مشترک

رهبری‌ای که کلمات را به عمل تبدیل می‌کند

پذیرش بهم‌وابستگی و یگانگی بشریت دلالت‌های مهمی برای نحوه تصمیم‌گیری رهبران در تمام سطوح، به ویژه در عرصه جهانی در پی دارد. چالش‌های زمانه ما به خوبی شناخته شده‌اند. با اینکه بسیاری از افراد و ملت‌های منصف ابزارهای بنیادین بین‌المللی مانند منشور سازمان ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر را پذیرفته‌اند، تحقق کامل این قبیل پیمان‌ها در واقعیت زیسته مردم و جوامع در سراسر جهان با دشواری‌های جدی روبه‌رو است.

برای نمونه شواهد علمی، پیش‌بینی‌های اقتصادی بلندمدت و الزامات اخلاقی، همه دلایل قانع‌کننده‌ای برای تلاش فوری در جهت کاهش تأثیرات تغییرات اقلیمی و کوشش برای سازگاری با آن ارائه می‌دهند. ده‌ها توافق‌نامه بین‌المللی، و از جمله مهم‌ترین آن‌ها توافق‌نامه پاریس، کشورهای جهان را به برداشتن گام‌های مشخصی متعهد می‌سازند. با این حال، این اقدامات هنوز تا پیاده‌سازی موثر فاصله دارند. این تناقض بین آرمان و عمل یکی از ویژگی‌های متداول عرصه بین‌المللی است، چه در حوزه صلح و امنیت و رفع فقر، و چه در ارتباط با پیشرفت زنان و سایر موارد. با توجه به تاریخ دردناک بی‌شمار خدشه‌هایی که به اعتماد عمومی وارد شده است، گرایش به شک‌گرایی و احتیاط که مانع اقدام معنادار و پایدار می‌شود قابل درک است. اما وضعیت جهان و درهم‌تنیدگی فزاینده بشریت مستلزم حرکت از حرف به عمل است. بنابراین نقش رهبری فراتر از بیان آنچه باید انجام شود مستلزم ایجاد محیطی مساعد است که در آن اقدامات لازم بتوانند انجام گیرند.

رهبران باید بر این فلج اراده که در نهایت ریشه در درکی محدود از هدف فردی و جمعی دارد فائق آیند. برای مقابله با سستی حاکم بر وضع موجود، افرادی که در موقعیت رهبری هستند، باید اشکال جدیدی از حکومت‌داری را که بر درجات بیشتری از یگانگی بنا شده‌اند، به کار گیرند. بر این مبنا از آنان انتظار می‌رود که هنگام بررسی هر سیاست یا اقدام پیشنهادی در عرصه بین‌المللی، این پرسش را مد نظر قرار دهند که آیا این تصمیم به نفع تمامیت

بشریت خواهد بود؟

هر چند قدم گذاشتن در چنین مسیری نیازمند شهامت است اما در عین حال یک ضرورت عملی است که فواید بی‌شماری دارد. مردم جهان آرزومند رهبران و موسساتی هستند که برای رسیدگی به فوری‌ترین دغدغه‌های آن‌ها اقدام کنند. چنین رهبرانی اگر از خود صداقت و درستکاری نشان دهند، به تعهدات خود پایبند بمانند، بدون جانبداری اقدام کنند و امور سیاسی و اقتصادی را با خردمندی و عدالت پیش ببرند، از حمایت بیشتری هم برخوردار خواهند شد. در واقعیت، تاریخ نشان داده است که در نهایت بشرگرد کسانی می‌آید و آنانی را ارج می‌نهد که به رفاه عمومی اولویت دهند.

در نهایت
بشرگرد کسانی می‌آید
و آنانی را ارج می‌نهد که به
رفاه عمومی اولویت
دهند.

«بلی تمدن حقیقی وقتی در قطب عالم علم افزاد که چند ملوک بزرگوار بلند همّت چون آفتاب رخشنده عالم غیرت و حمیت بجهت خیریت و سعادت عموم بشر به عزمی ثابت و رأی راسخ قدم پیش نهاده مسئله صلح عمومی را در میدان مشورت گذارند.»

- آثار بهائی

چارچوبی مشترک

پایه‌گذاری اساسی برای تحول

ایده‌های مطرح شده تا اینجا طرحی از چارچوبی مشترک را تصویر می‌کند که بر پذیرش بی‌قید و شرط بهم‌وابستگی بشریت استوار است. با اینکه بسیاری، به ارزش‌های محوری این چارچوب اذعان دارند، کاربرد مؤثر آن را اغلب غیرعملی تلقی می‌کنند. اجرای چنین چارچوبی در عمل چه شکلی خواهد داشت؟

جامعه‌بهائی در سرتاسر جهان به نوبه خود و دوشادوش دوستان، همکاران و شهروندان از هر قشر و پیشینه‌ای، در حال کسب تجربه در جهت ترویج جوامع صلح‌آمیز و مرفه از طریق کاربرد این چارچوب بوده است. این تجربه‌ها شواهدی از تحولات سازنده و چشمگیر در زندگی فردی، تعاملات جامعه و ترتیبات موسساتی ارائه می‌دهند. این تلاش‌ها تقریباً در همه کشورهای و مناطق جهان در جریان هستند و ترتیبات موسساتی مشخصی از سطح محلی تا بین‌المللی هدایت و حمایت آن‌ها را بر عهده دارند. چنین ترتیباتی امکان تولید و انتشار بینش‌ها و بهترین یادگیری‌ها را در سراسر جهان فراهم می‌کنند و این تجارب به‌طور گسترده و در انطباق با شرایط محلی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

بسیاری از پروژه‌های جوامع بهائی با ایجاد فضاهای مشورتی در روستاها یا محله‌ها آغاز می‌شود که افرادی از اجتماعشان را فارغ از پیشینه یا اعتقاد، به این فضاها دعوت می‌کنند تا به درک بهتری از واقعیت مادی و اجتماعی خود برسند و برای چالش‌های پیش‌روی خود پاسخ‌های مناسبی پیدا کنند. در بسیاری از موارد، این فضاها به اقدامات کوتاه‌مدت مرتبط در زمینه توسعه اجتماعی و اقتصادی منجر شده‌اند، اقداماتی از قبیل کارزارهای آموزشی، پروژه‌های بهداشتی، آگاهی‌بخشی درباره محیط‌زیست یا کمک‌های بشردوستانه.

با گذشت زمان، بسیاری از این تلاش‌ها با مشورت‌های مداوم درباره کاربرد این چارچوب مشترک، حمایت‌های محلی یا ملی بیشتری را به خود جلب کرده‌اند. برخی از این پروژه‌ها به تدریج به درجات بالاتری از پیچیدگی

دست یافته‌اند، از جمله پروژه‌هایی در زمینه‌های تربیت مربی و سوادآموزی، توان‌افزایی زنان، امنیت غذایی، انسجام اجتماعی و استفاده از هنر برای ایجاد انگیزه برای اقدام. نکته‌شایان توجه در این رابطه آن است که با افزایش توانمندی و شکل‌گیری خصوصیات مورد نیاز برای حفظ پیشرفت بلندمدت در جمعیت‌های محلی در یک دهه گذشته این فرایند تحول‌آفرین منجر به افزایش چشمگیر اقدامات مستقل توسعه از ۴۰۰ پروژه به ۲۰۰ هزار پروژه در بیش از ۱۸۰ کشور و منطقه شده است.

در عمل، این جوامع مشاهده کرده‌اند که پذیرش یگانگی نوع بشر دلالت‌های متنوعی برای رویکرد آن‌ها به پیشرفت اجتماعی دارد، از جمله اینکه رویکردهای خصمانه برای حل مشکلات، هر قدر هم که اهداف والایی را دنبال کنند توانایی محدودی برای دستیابی به تحول پایدار دارند؛ از جمله اینکه تفاوت در دیدگاه‌ها فرصتی برای کاوش در ارزش‌ها و راهبردها از زوایای متنوع است؛ از جمله اینکه هر عضو اجتماع توانمندی، حق و مسئولیت مشارکت در خیر عمومی را دارد؛ و نیز اینکه با تلاش‌های آگاهانه و متعهدانه می‌توان به آینده‌ای نویدبخش امید داشت.

درس‌هایی که از این تجارب در بستر یک چارچوب مشترک شمول‌گرا و از نظر فرهنگی وفق‌پذیر به دست آمده، درس‌هایی عمیق هستند. پایبندی به اصول، به‌هیچ‌وجه آرمانی ساده‌لوحانه نیست؛ بلکه نوایی پرتنین در میان جمعیت‌های مختلف برمی‌انگیزد و زمینه ساخت جوامعی متحد در عمل را فراهم می‌سازد که می‌توانند به‌گونه‌ای مؤثر در تحقق چشم‌اندازی جهانی سهیم باشند. وظیفه پیش‌رو حقیقتاً دست‌یافتنی است. اگر گام‌هایی در جهت چارچوب مفهومی جدیدی برداشته شود، میلیون‌ها نفر در سراسر جهان آماده‌اند تا از پیشرفت آن حمایت و پشتیبانی کنند.

«باری باید دامن همّت بکمر غیرت زد و از هر جهت باسباب آسایش و راحت و سعادت و معارف و تمدّن و صنایع و عزّت و شرف و علوّ منزلت جمعیت بشریّه تشبّث نمود.»

- آثار بهائی

بشریت به لحظه‌ای سرنوشت‌ساز، سرشار از امید و امکانات بالقوه رسیده است. شالوده‌های جهانی بهتر را می‌توان و باید با استفاده از ارادهٔ جمعی بنا نهاد تا از بروز فاجعه‌های بیشتر جلوگیری گردد.

شاید برای برخی، تغییر و تحول در ترتیبات فعلی بر اساس آرمان‌های والایی چون وحدت و عدالت، آرمان‌گرایانه و حتی در شرایط فعلی جهان نابهنگام به نظر برسد. با این حال، اظهار اینکه این تغییر را باید به زمان دیگری موکول کرد، به معنای نادیده گرفتن این واقعیت است که رویکردهای کنونی در حکمروایی جهانی در واقع خود عامل ایجاد بسیاری از مشکلات جهان هستند. اگر با این مشکلات با شیوه‌های تازه‌ای مواجه نشویم، آینده چیزی جز تشدید آن‌ها را در پی نخواهد داشت.

در این راستا، جامعهٔ جهانی بهائی از شرکت‌کنندگان در نشست آینده و فرایندهای پس از آن دعوت می‌کند که برای یادگیری جمعی و عمیق به یکدیگر پیوندند. رهبران به جای دنبال کردن مفاهیم منسوخ و فرضیات غیرقابل اجرا، همراه با مردم جهان باید به پا خیزند و با اراده‌ای محکم با یکدیگر مشورت کنند تا راه‌حل‌های مناسبی برای چالش‌ها بیابند. ایجاد شالوده‌های استواری که بر آن بتوانیم آینده‌مان را بنا کنیم، چالشی جمعی است. این فصل بعدی در داستان مشترک ما دربارهٔ بنای آینده‌ای عادلانه و هماهنگ است.





Bahá'í
International
Community

Copyright © 2024 Bahá'í International Community

866 United Nations Plaza, Suite 120

New York, NY 10017, USA

www.bic.org